

بررسی ابعاد جهانی شدن و دشواری‌های پیش روی الگوی بومی پیشرفت

سیده فاطمه امامی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

ژیلا وطنخواه

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

وحید باشی املشی

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

چکیده

جهانی شدن ابعاد گسترده‌ای دارد که همه عرصه‌ها از جمله ادیان و فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا شناخت این پدیده نوظهور جوامع مختلف را در برخورد مناسب با آن کمک می‌نماید. هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد جهانی شدن و پیامدهای پیش‌روی الگوی بومی پیشرفت است. این پژوهش در راستای چالش‌های الگوی پیشرفت قرار دارد. روش تحقیق پژوهش حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از شیوه کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که باید توجه داشت که جهانی شدن ناشی از رشد و توسعه فناوری‌های مختلف در جهان در زمینه‌های مختلف مخابرات، الکترونیک و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و تولیدات جدید صنعتی در زمینه مکانیک و حمل و نقل است که فاصله‌های جغرافیایی را کاهش داده و جوامع را به یکدیگر نزدیک کرده است. لذا به سبب افزایش سرعت و زمینه‌های ارتباطی، امکان جابجایی و انتقال اطلاعات، داده‌ها و کالاها و محصولات نیز افزایش یافته است. به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه رشد و توسعه فناوری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی، درون جوامع تحول آفریده است، زمینه‌های ارتباط سریع خرده اجتماعات و فرهنگ‌ها را با یکدیگر افزایش داده است. از طرفی در زمینه جهانی شدن باید به این نکته توجه داشت که تمامی تغییرات باید در جهت پیشرفت در راستای فرهنگ اسلامی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، فرهنگ، اقتصاد، الگوی پیشرفت، فرهنگ اسلامی

مقدمه

جهانی شدن بارزترین وجه تمایز جهان دیرروز و جهان امروز است. بذر آن در فردای روز خاتمه جنگ جهانی دوم با عمومیت یافتن ایده حل و فصل مسائل جهان و نه مردم جهان توسط یک خرد جمعی کاشته شد. سازمان ملل متحد سازمان‌دهنده نظام بین‌الدولی و ملات «روبنای سیاسی اقتصاد جهان سرمایه‌داری شد» (والرشتاین، ۱۳۷۷: ۲۰۴-۲۰۵). تعامل میان دولت‌ها در سطوح منطقه، نظام‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای را شکل بخشید و گسترش روزافزون سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای چون آسه آن^۱، نفتا^۲ و اکو^۳، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (یورو)، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تاسیس سازمان تجارت^۴ و قدرت نمایی آن در عرصه تجارت بین‌الملل

1 - ASEAN.

2 - NAFTA.

3 - ECO.

4 WTO.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

و متعاقب آن آزادی بیش از پیش نقل و انتقال سرمایه بین کشورهای جهان و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ جهان (مثل دو شرکت اتومبیل سازی مرسدس بنز و کرایسلر و شکل‌گیری شرکت دایملر کرایسلر) فرایند جهانی شدن اقتصاد را سرعت بخشید. بدین ترتیب اقتصاد لایه رویی نیروی پیش برنده جهانی سازی شد تا گردش سرمایه را که در نتیجه لیبرالیزه کردن سیاست‌های چند دهه اخیر مشاهده می‌شود، تسریع نموده و موانع بر سر راه تجارت بین‌المللی را کاهش دهد و فرصت‌هایی را از طریق تجارت، مهاجرت، سرمایه‌گذاری و کسب دانش فراهم نماید و عصر جهانی شدن را از منظر مخالفان به عنوان عصر تحول عمیق سرمایه‌داری برای همه انسانها (با چیرگی کشورهای مرکز که در سایه آن مبادله نامتوازن و ناهمگون صورت می‌پذیرد) و از نظر موافقان سببی برای رشد فزاینده اقتصادی کند جلوه دهد. قدمت فرایند جهانی شدن، با قدمت مفاهیم معطوف به آن فرایند همراه بوده است. در آثار گوناگون مربوط به جهانی شدن، واژه‌ها و مفاهیم مختلفی برای توصیف و تبیین آن به کار رفته است که در این میان، واژه جهانی؛ از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. این واژه؛ معمولاً در مورد نیروها، عوامل، رویدادها و فرآیندهای موثر در ارتباط، همبستگی و همگونی جهانی به کار می‌رفتو به روایتی قدمتی چهارصد ساله دارد. البته، در دهه‌های اخیر که فرایند جهانی شدن شتاب و گسترش بی‌سابقه‌ی یافته، واژه مورد نظر عمدتاً برای تأکید جهان، چونان یک واحد اجتماعی مستقل، متمایز و قایم به خود به کار می‌رود، که می‌تواند سطح تحلیل متمایز و موضوع یک دانش جداگانه باشد (Albrow, 1992: 6).

جهانی شدن، شبکه‌ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندها و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، فرایندی است که طی آن وابستگی متقابل بین دولت‌ها و جوامع مختلف جهان در حال گسترش است (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۴). جهانی شدن پدیده‌ای جدید نیست. از زمان جابه‌جایی انسان روی کره زمین، روند جهانی شدن در جریان بوده و با اختراع وسایل ارتباط جمعی و حمل و نقل در قرن بیستم این روند تسریع شده است. گسترش مبادلات مادی و تقابلات فرهنگی میان جوامع، جهان را به سوی ایجاد مکانی واحد یا بنا بر استعاره مشهور به سمت ایجاد دهکده جهانی سوق می‌دهد. جهانی شدن روندی است که به موجب آن، کالا، سرمایه، نیروی کار، تجربیات و فناوری، بزهکاری، مواد مخدر و... به راحتی از مرز کشورها انتقال می‌یابند. این روند همچنین ابعاد فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را نیز دربردارد. از دهه ۸۰ به بعد با اختراع گونه‌های تصویری ارتباط مثل اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی دیگر و گونه‌های فیزیکی ارتباط مثل هواپیما و دیگر وسایل حمل و نقل که امکان انجام سریع و آسان عملیات تجاری در سطح جهان را فراهم کرده است (Jackson, 1998: 50).

می‌توان گفت «جهانی شدن» نظریه‌ای است که بعد از افول پارادایم‌های دو قطبی بر جهان، ارائه یا پیشنهاد شد و جغرافیای توسعه را با تغییراتی نوین مواجه ساخت. با فروپاشی شوروی، انگاره دو قطبی بودن جهان از بین رفت، بدون آنکه انگاره‌ای جدیدی امکان ظهور و پذیرش پیدا کرده باشد. به دنبال این وضعیت، نظریاتی برای بیان اوضاع جدید و روند تحولات آن ارائه شد. از جمله نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما^۵، ایده «برخورد تمدن‌ها» ی ساموئل

هشتین کفراس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

هانتینگتن^۶ و نظریه «نظم نوین جهانی» برخی از اندیشمندان بویژه، پت روبرتسون^۷. با نگاهی گذرا به این نظریات، و با وجود اختلافات قابل توجه بین آنها، ویژگی‌های مشترکی باعث نزدیک شدن این نظریات به هم شده است. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها «غرب محور بودن» آنهاست که به شأن علمی و بی‌طرفی این نظریات برای «فرهنگ» و زیر مجموعه‌های آن مانند دین، اخلاق و ارزش‌ها قائل‌اند، هرچند ممکن است مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی در این موارد داشته باشند (فنی، ۱۳۸۸: ۹۳). جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی فضا و زمان کوچک شدن پدیدار شناسانه جهان و شکل‌گیری جامعه جهانی، به بیان دیگر جهانی شدن را می‌توان کاهش چشمگیر هزینه‌ها و محدودیت‌هایی دانست که فضا و زمان بر زندگی اجتماعی تحمیل می‌کنند از این دیدگاه جهانی شدن مترادف است با تضعیف فرسایش و فروریزی هر گونه حدومرزی که از پیوند هردو جامعه در قلمرو جهانی جلوگیری یا آن را محدود و دشوار می‌کند جغرافیا، سیاست و فرهنگ همواره مهمترین عوامل مرزآفرین در برابرگسترش طلبی و جهان‌گرایی امراجتماعی بوده اند و روابط اجتماعی را در قلمروهای محلی و ملی محصور کرده اند. بنابراین هر تحولی که مرگ جغرافیا را به ارمغان آورد، قابلیت و توانایی تهدید کنندگی دولت را کاهش دهد و از انسداد فرهنگ بکاهد عاملی جهانی ساز، مرز و ادغام‌گر است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۷).

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع مورد مطالعه در این مقاله مطالعات چندی در سطح داخلی و خارجی انجام شده که در ادامه به گزیده‌ای از آنها اشاره می‌شود.

دادگر و ناجی (۱۳۸۲) در پژوهشی ضمن معرفی و بررسی شاخص‌های ترکیبی و غیر ترکیبی جهانی شدن فرآیند، جهانی شدن، با شاخص‌های مزبور، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. براساس شاخص‌های معرفی شده، اقتصاد ایران گام‌هایی هرچند کند و کوتاه در جهت جهانی‌تر شدن و ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی برداشته است که با برنامه‌ریزی دقیق و آماده‌سازی‌های لازم باید بر سرعت این گام‌ها افزوده شود. زیرا سرعت شکل‌گیری این پدیده، روز به روز بیشتر شده و امکان اینکه ایران خود را از این جریان کنار بکشد، وجود ندارد. در جهان امروز انزوا نه مطلوب است و نه ممکن، اما جهانی شدن برای یک اقتصاد نیمه دولتی و حمایت شده و غیررقابتی چون ایران کار ساده‌ای نیست و در صورت ورود به عرضه جهانی شدن، ممکن است با مشکلات قابل ملاحظه‌ای در عرصه رقابت با محصولات خارجی روبرو شویم و همزمان افزایش فقر و بیکاری و فشار بر گروه‌های آسیب‌پذیر نیز، حداقل در کوتاه مدت متصور خواهد بود. لذا، راه برخورد صحیح با این مشکلات، نه فرار از آنها بلکه فراهم‌سازی تمهیدات لازم و بهره‌گیری از تجربه دیگر کشورها از جمله کشورهای آسیای شرقی و چین می‌باشد.

علاء الدینی و امامی (۱۳۸۵) در پژوهش صورت گرفته در خصوص جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران مشخص شده است که مهاجرت افراد کشورهای دیگر به ایران (اتباع افغانی و عراقی) هرچند که موجب بهبود نسبی وضع مهاجران با توجه به شرایط بحرانی در کشورهای مبدأشان شده است، اما در عین حال آنها را به قشر نسبتاً گسترده فقیری در حاشیه شهرهای ایران تبدیل ساخته است. همچنین، مهاجرت برون مرزی ایرانیان کشور را از بهره‌گیری از تحصیلات

6-Samuel Hangtinton

7-Pat Robertson

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عالی، مهارت‌های ویژه و سرمایه‌های گسترده این گروه، محروم ساخته است این امر بی شک نتایج نامطلوبی در زمینه گسترش فقر به همراه داشته است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان آثار جهانی شدن بر شاخص‌های فقر به ارزیابی اثر جهانی شدن بر شاخص‌های فقر شامل درصد افراد فقیر و شکاف فقر در دو چارچوب خرد و کلان پرداخته است و بر اساس نتایج الگوی کلان در میان خانوارهای شهری، شاخص جهانی شدن اثر قابل ملاحظه‌ای بر درصد افراد زیر خط فقر نشان نداد اما مشخص گردید ۱ درصد رشد در این شاخص منجر به ۲/۹۵ درصد کاهش در شکاف فقر می‌شود. در میان خانوارهای روستایی مشخص شد جهانی شدن باعث کاهش نسبت سرشمار فقر و افزایش شکاف فقر می‌گردد.

حسن زاده و مسلمیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه ضمن بررسی مجموعه‌ای از عقاید قابل قبول و مستدل در مورد اثر جهانی شدن در ثبات اقتصادی کشورهای فقیر و در حال توسعه و همچنین ارتقای رفاه اقتصادی و رشد آنها پرداخته است و نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت به دلیل ضرورت انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز اقتصاد، بیکاری و فقر افزایش یافته است. همچنین عدم توجه به بخشهای آسیب‌پذیر اقتصاد و فقدان یک نظام برنامه‌ریزی مدرن کارآمد برای حرکت در این مسیر خصوصاً پیرامون سرمایه‌گذاریهای خارجی، همراه با تبعات سیاسی ناشی از ادغام در اقتصاد جهانی و توسعه سرمایه انسانی می‌تواند این آثار منفی را تشدید نماید.

براساس نتایج این مطالعه، حضور بیشتر ایران در عرصه جهانی درصد افراد فقیر را کاهش خواهد داد. اما از سوی دیگر، براساس شاخص شکاف فقر، شرایط گروه‌های فقیرتر در وضعیت نامطلوب تری قرار خواهد گرفت و این به معنی افزایش لزوم حمایت از گروه‌های فقیرتر روستایی به موازات جهانی شدن می‌باشد.

سایر کتابهای لاتین که در این خصوص بوده‌اند عبارتند از:

(Decaluwe, 1999) در تحقیقی به اثرات کاهش قیمت صادراتی و تعرفه وارداتی را بر روی فقر تجزیه و تحلیل کردند. نتایج نشان داد که کاهش در تعرفه‌های وارداتی به نفع گروه‌های فقیر است. (Dorosh, 2000) در بررسی‌های انجام داده به اثرات آزادسازی تجاری و نرخ مبادله را روی فقر در کشورهای کامرون، گامبیا، ماداگاسکار و نیجر بررسی نمودند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که آزادسازی نرخ مبادله و تجارت به نفع خانوارهای فقیر در مناطق شهری و روستایی است. (Bhasin, 2005) اثرات حذف مالیات‌های تجاری را بر فقر در غنا مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش سناریوی اول به صورت حذف کامل تعرفه‌های وارداتی برای همه واردات با افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده، و سناریوی دیگر به صورت حذف کلیه مالیات‌های صادرات و افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده بود. نتایج نشان داد که سناریوی اول فقر را کاهش، اما سناریوی دوم آن را افزایش می‌دهد. (Pranab, 2010) در مقاله‌ای تحت عنوان جهانی شدن و فقر روستایی به بررسی تحلیلی از مکانیسم جهانی شدن در کشورهای فقیر در حال توسعه پرداخت. و نتایج حاکی از آن نیز نشان داد که جهانی شدن هم می‌تواند بسیاری از مشکلات برای افراد فقیر روستایی به همراه داشته باشد و هم می‌تواند فرصتی برای این کشورها تلقی شود. در این تحقیق به بررسی ابعاد جهانی شدن و فقر روستایی پرداخته شده است و اینکه جهانی شدن فقر روستایی را تشدید می‌کند و یا نه به همراه خود امکانات زیادی به همراه می‌آورد. (Hunter Wade, 2003) در پژوهشی با نام آیا جهانی شدن موجب کاهش فقر و نابرابری می‌شود؟ به بررسی روند جهانی شدن در کشورهایی چون هند، چین، آسیا و... در طول ۲۰ سال گذشته پرداخته و با توجه به بحث نئولیبرالی اذعان می‌کند که فقر و نابرابری درآمد بیش از دو دهه است که از بین رفته است. و با توجه به فرایند جهانی شدن همه مرزهای اقتصادی یکی شده است.

ابعاد جهانی شدن

پدیده‌های جهانی شدن؛ دارای ابعاد و لایه‌های متعددی است که از میان آن‌ها پنج بعد دارای ماهیت و اهمیت ویژه -
بی است که عبارتند از: ابعاد؛ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، علمی و فناوری. اینک به تشریح آن‌ها می -
پردازیم:

۱- بعد اقتصادی جهانی شدن

بسیاری از محققان وجه غالب جهانی شدن راه اقتصاد می‌دانند. از لحاظ تاریخی نیز تقدم با جهانی شدن اقتصاد است زیرا قدمت آن به سده‌ی شانزدهم میلادی باز می‌گردد (شیرزادی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). جهانی شدن اقتصاد قدرت کنترل دولت‌ها به نقل و انتقالات مالی و فن آوری را کاهش می‌دهد (اینات، ۱۳۷۹: ۲۰). و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید، رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی قید و شرط و فراگیر می‌کند و نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد. نمونه‌ای از این نظام منطقه‌ای «مثلث رشد»^۸ است که آمیزه‌ای از ابتکار دولت‌ها و فعالیت‌های کارفرمایان خصوصی است. سه نقطه جوهور^۹ در مالزی، جزایر ریو^{۱۰} در اندونزی و دولت شهر^{۱۱} در سنگاپور زوایای این مثلث است. جوهور عرضه‌کننده زمین و نیروی کار نیمه ماهر، ریو عرضه‌کننده زمین و نیروی کار ارزان قیمت و سنگاپور عرضه‌کننده سرمایه انسانی با کیفیت بالا و زیربنای اقتصادی توسعه یافته است. این مثلث رشد پایگاه تولیدی گسترده‌ای بوجود آورده است که در کل مورد توجه شرکتهای چند ملیتی سرمایه گذاری شده است. وسیع تر از نظام‌های منطقه‌ای جدید، شرکت‌های جهانی است که یکی از بزرگترین آنها شرکت ای بی بی است. پرسه پارانومیک رئیس این شرکت در مصاحبه‌ای که با مجله هاروارد انجام داد، در پاسخ خبرنگار که از او پرسید چرا شرکت ای بی بی به نظر همه از اغلب شرکت‌های جهانی، جهانی تر است گفت شرکت ای بی بی شرکتی است که دارای هیچ مرکزیت جغرافیایی نیست و محوری ملی برای گردش در حول آن ندارد. ما فدراسیونی از شرکت‌های ملی را تشکیل داده ایم که دارای یک مرکز هماهنگی جهانی است. دفتر مرکزی در زوریخ است. یکصد نفر متخصص حرفه‌ای در آن از ملیت‌های مختلف فعالیت می‌کنند. مدیر عامل سوئدی است. زبان رسمی انگلیسی است. گزارشات مالی با دلار آمریکا است. مدیران اجرایی در سراسر دنیا هستند و بدون توجه به مرزهای جغرافیایی درباره استراتژی محصول و عملکرد، تصمیماتی اتخاذ می‌کنند. کمیته اجرایی که در راس شرکت قرار دارد هریک از ۱۲ همکار با ملیت‌های سوئدی، سوئسی، آلمانی و آمریکایی است و کسب و کار به شدت جهانی است (میلتر من، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

هلال شکوفایی^{۱۲} نمونه دیگری از نظام اقتصادی منطقه‌ای است که شامل کشورهای کره، ژاپن، ویتنام، لائوس، کامبوج و شش کشور عضو آس آن است. نموده‌های متنوعی نیز از شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی وجود دارد که اقتصاد و فرهنگ به هم گره خورده اند. کار فراملی چین یک نمونه از آن است. یک شبکه عظیم قدرتمند منطقه‌ای

8 -growth triangle.

9 -Johor.

10 -Riav.

11 -City state

12 -Crescent Prospect.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

غیر رسمی که کل ثروت ۴۰ میلیون چینی را که در آسیای جنوب شرقی کار می کنند (بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار) ثروت هفت میلیون ساکنین هنگ کنگ (حدود ۵۰ میلیارد دلار) و تایوان و جمهوری خلق چین را در بر می گیرد. بانک جهانی این منطقه را منطقه ی اقتصادی چین می نامد. این منطقه از ۱۹۶۲ میانگین نرخ رشدی بیش از ۷ درصد داشته است (همان منبع).

جهانی شدن اقتصاد شرایطی را بوجود می آورد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری، تولید و نقل و انتقالات مالی کم ترین نقش را خواهند داشت. ارتباط سرمایه و کالا بدون توجه مرز دولت ملت ها برقرار می شود و به گفته اقتصاددانان معروف دانی کواح به تدریج اقتصاد بی وزن^{۱۳} بوجود می آید (نورانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸).

مانوئل کاستلز در مورد اقتصاد جهانی شده، اذعان می دارد که در دو دهه ی گذشته، اقتصادی جدید در مقیاسی جهانی پدیدار شده است. برای شناسایی ویژگی های بنیادین آن و تأکید بر درهم تنیدگی این ویژگی ها، این اقتصاد را باید اقتصاد اطلاعاتی نان نهاد. این اقتصاد، اطلاعاتی است از آن رو که بهره وری و توان رقابتی واحدها یا کارگزاران این اقتصاد (شرکت ها، مناطق یا کشورها) اساسا به ظرفیت تولید، پردازش و کاربرد موثر اطلاعات مبتنی بر دانش بستگی دارد. همچنین آن را جهانی باید نامید از آن رو که فعالیت های صلی تولید، مصرف، پخش و نیز اجزای این ها (سرمایه، کار، مواد خام، مدیریت، اطلاعات، تکنولوژی و بازار) خواه به طور مستقیم و خواه از طریق شبکه ای از ارتباطات میان عوامل اقتصادی، در مقیاس جهانی سازماندهی شده است. این اقتصاد، اطلاعاتی و جهانی است از این لحاظ که در شرایط تاریخی جدید، در یک شبکه جهانی ارتباط متقابل است که بهره وری ایجاد می شود و رقابت صورت می گیرد و این اقتصاد به این دلیل که انقلاب تکنولوژی اطلاعات شالوده ی مادی و اجتناب ناپذیر آن را فراهم می آورد، در ربع آخر قرن بیستم پدیدار شده است. پیوند تاریخی میان بنیان متکی به دانش - اطلاعات این اقتصاد، گستره جهانی آن، و انقلاب تکنولوژی اطلاعات است که سبب زایش یک نظام جدید اقتصادی متمایز می شود. یقینا اطلاعات و دانش همواره اجزای حیاتی رشد اقتصادی بوده اند، و تکامل تکنولوژی در حقیقت به طور عمده ظرفیت تولید جامعه و شاخص های زندگی و نیز شکل های اجتماعی سازمان اقتصادی را تعیین کرده است (کاستلز، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۱۰۳).

کاستلز وجه مشخصه ی اقتصاد جهانی را که از دل تولید مبتنی بر اطلاعات و رقابت پدیدار می شود، وابستگی متقابل، عدم تقارن، منطقه ای شدن، تنوع فزاینده ی درون هر منطقه، شمول گرینی، تقسیم بندی و در نتیجه همه ی این خصوصیات، هندسه ی فوق العاده متغیر آن می داند که جغرافیای تاریخی - اقتصادی را از بین می برد. بنابراین، ویژگی معماری اقتصاد جهانی، یک جهان به هم وابسته نامتقارن است که بر محور سه منطقه ی اقتصادی عمده سازماندهی شده و به طور روزافزون، حول محور تضاد بین مناطق مولد، غنی از اطلاعات و ثروتمند و مناطق فقیر زده از لحاظ اقتصادی بی اعتبار و از لحاظ اجتماعی طرد شده، قطب بندی شده است. از میان این سه منطقه ی مسلط اروپا، آمریکای شمالی، و آسیا - اقیانوس آرام، به نظر می رسد که منطقه ی اخیر به دلیل وابستگی اش به

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

آزادی بازارهای مناطق دیگر، پویاترین و در عین حال آسیب پذیرترین منطقه باشد. اما درهم تنیدگی روندهای اقتصادی میان این سه منطقه، سرنوشت آن ها را به یکدیگر گره می زند. پیرامون هر یک از مناطق، یک پس کرانه‌ی اقتصادی ایجاد شده که از درون آن، چند کشور به تدریج جذب اقتصاد جهانی می شوند. این جذب شدن معمولاً از طریق مناطق مسلطی صورت می گیرد که همسایگان جغرافیایی آن ها هستند: آمریکای شمالی برای آمریکای لاتین، اتحادیه ی اروپا برای اروپای شرقی، روسیه و جنوب مدیترانه، ژاپن و آسیا-اقیانوس آرام برای دیگر نقاط آسیا و استرالیا و زلاند نو، و شاید هم برای بخش روسی اقیانوس آرام، شرق سیبری و قزاقستان؛ آفریقا که در این حال هنوز هم به شبکه های اقتصادی استعماری سابق وابسته است، به نظر می رسد که هر روز بیش از پیش، از اقتصاد جهانی به حاشیه رانده می شود؛ خاورمیانه به طور کلی به شبکه های جهانی مالی و تأمین انرژی می پیوندد، گرچه به مظاهر جغرافیای سیاسی جهان بسیار وابسته است. به طور خلاصه جهانی شدن اقتصاد؛ جریان جهانی کالا، پول، خدمات، اطلاعات، نیروی کار و مهاجر است. در این نظام اقتصادی جهانی شده، مدیریت کارآمد و اتخاذ استراتژی‌های مناسب، شرکت های چند ملیتی را به نهادهایی بسیار قدرتمند در صحنه ی اقتصاد ی جهان تبدیل کرده است. آن ها با توان مالی هنگفت و در اختیار داشتن فن آوری های جدید و پیشرفته، روز به روز قدرتمند تر می شوند و عرصه ی رقابت جهانی را برای بسیاری از نهادهای تولید و تجاری تنگ تر می کنند. شرکت های چند ملیتی نقشی اساسی در جهانی شدن تولید و مبادلات پولی و مالی دارند. توانمندی اقتصادی و گستردگی فعالیت این گونه شرکت ها باعث شده تا نقشی بسیار مهم در سیاست های اقتصادی کلان کشورها بازی کنند. هرگونه تغییر در برنامه های کلی این شرکت ها مانند استفاده از نیروی کار ارزان یک کشور یا سرمایه گذاری در کشور دیگر، ممکن است تأثیری چشم گیر بر اقتصاد و سیاست این کشورها بگذارد. شرکت های چند ملیتی نه تنها فعالیت های فراملی دارند، بلکه از لحاظ مالکیت نیز فراملی یا بی دولت هستند. اگرچه جهانی شدن اقتصادی بخش قابل توجهی از فرایند جهانی شدن را شامل می شود، اما به هیچ وجه در آن خلاصه نمی شود (شیرزادی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

خصوصیات جهانی شدن اقتصاد یعنی ویژگی های تولید و توزیع را می توان به شکل زیر برشمرد:

- ۱ - جهانی شدن بازارهای مالی
- ۲ - جهانی شدن استراتژی شرکت ها در درون یک بازار رقابتی
- ۳ - انتشار تکنولوژی همراه با فرآیند تحقیق و توسعه در سطح جهان
- ۴ - شکل گیری الگوهای مصرف جهانی همراه با بازارهای مصرفی جهان
- ۵ - جایگزین شدن توان نظم بخشیدن به اقتصاد ملی توسط اقتصاد سیاسی جهانی
- ۶ - کاهش نقش دولت - ملت در طراحی قوانین تدبیر جهانی
- ۷ - افزایش شکاف های طبقاتی در درون جوامع - اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه
- ۸ - حاشیه ای تر شدن جوامع کمتر توسعه یافته
- ۹ - برتری سرمایه نسبت به نیروی کار و در نتیجه، تضعیف، یا به طور دقیق تر قدرت زدایی از تشکلات صنفی و کسانی که فاقد سرمایه هستند یا به طریقی در نوک پیکان تحولات سرمایه داری قرار نگرفته اند.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به سخن دیگر، جهانی شدن اقتصاد این مفهوم را دربردارد که تصمیمات و اقدامات اقتصادی در یک بخش از جهان نتایج مهمی را برای اشخاص و اقتصادهای دیگر دربردارد. جهانی شدن اقتصاد دارای دو بعد است، بعد اول مفهوم گسترش جغرافیایی را دربردارد. لذا جهانی شدن اقتصاد به طور فزاینده‌ای فضای جغرافیایی گسترده‌تری را اشغال می‌کند. در بعد دوم جهانی شدن اقتصاد مفهوم فرآیندی را دارد که شدت و فشرده شدن وابستگی‌ها، پیوندها و تعاملات بین اقتصادی رادبرمی‌گیرد. لذا ترسیم جهانی شدن اقتصاد به شکل فرایندهای متعدد، متکثر و گسترده الزام آور است. جهانی شدن اقتصاد بر ماهیت بی‌مرز جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد و بالاخره جهانی شدن اقتصاد بر تبدیل شدن جهان، به ویژه اقتصاد جهانی، به یک واحد همگرا شده تأکید می‌کند. نتیجه وضعیت فوق این است که توان نظم بخشیدن به اقتصادهای ملی از بین می‌رود و نظام اقتصادی جهانی جایگزین آن می‌شود. قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی در یک رابطه وابستگی متقابل و نیاز متقابل قرار دارند. قدرت اقتصادی منبع درآمد دولت (مالیات) است. دولت با استفاده از درآمد فوق، خدمات و امتیازاتی را به شهروندان ارائه می‌دهد و بدین وسیله وابستگی‌هایی را ایجاد و مشروعیت خود را حفظ می‌کند (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۲). رابطه دو جانبه فوق که تحت عنوان قانون وگنر (wagners law) شناخته شده، به این شکل است که افزایش توان اقتصادی به افزایش درآمد دولت منجر می‌شود که به نوبه خود به افزایش قدرت دولت در داخل و در خارج از مرزها. مسئله اساسی این است که در عصر جهانی شدن رابطه فوق متحول شده است یا خیر و اگر شده است، به چه شکل و تا چه اندازه‌ای؟ مشکل تحلیل در این است که به طور گریز ناپذیری عناصری از گذشته همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. در نتیجه فرایندها و وضعیت‌های متوازی و متضادی درکنار یکدیگر قرار دارند. تحول اساسی در این است که انباشت سرمایه در سطحی بالاتر از سطح دولت - ملت انجام می‌گیرد (کندی، ۱۳۷۰: ۲۰).

شاید رایج‌ترین دیدگاه نسبت به جهانی شدن اقتصاد و نسبت به اقتصاد سیاسی بین‌المللی این باشد که جهانی شدن اقتصاد دولت را از درون تهی می‌کند و لذا دولت را از نظم بخشیدن و طراحی امور اقتصادی و لذا اجتماعی و سیاسی محروم می‌سازد. همزمان از یک سو، قدرت در درون جوامع متلاشی و پراکنده می‌شود و از سوی دیگر، قدرت به طبقه سرمایه‌داری بین‌المللی انتقال پیدا می‌کند. نقطه آغاز بحث و در واقع تحلیل اولریک بک از روند جهانی شدن همین امر تهی شدن دولت می‌باشد که توسط شرکت‌های چند ملیتی انجام می‌گیرد. از دیدگاه او جهانی شدن تهاجمی است علیه سیستم‌های مالیاتی، علیه دولت رفاه، علیه چانه‌زنی دسته جمعی (بین‌کار، سرمایه و دولت) و علیه هزینه‌های دولتی. همزمان در سطح جهان، هیچ نوع همبستگی یا عامل چالش‌گری در مقابل قدرت شرکت‌ها وجود ندارد. نتیجه این است که سرمایه‌داران و کارفرمایان خود را از محدودیت نهادهای سیاسی و رفاهی که در واقع شیوه‌های کنترل دموکراتیک بر سرمایه هستند، رها می‌سازند (Marber, 1998: 13).

۲- بعد فرهنگی جهانی شدن

در دهه‌های پایان قرن بیستم، شاهد برجسته شدن فرهنگ بوده ایم. یکی از چالش برانگیزترین جنبه جهانی شدن جنبه فرهنگی جوامع می‌باشد. برخی، یکی شدن فرهنگ ملت‌ها را حاصل پیشرفت‌های عظیم در فناوری ارتباطات، تبادل اطلاعات و نفوذ و گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و ماهواره‌ای دانسته و آن را یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسایت و سومین خردادماه ۱۳۹۸

شدن تلقی می کنند. جهانی شدن فرهنگی عبارت است از: شکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد و ویژگی های منحصر به فرد فرهنگی را به چالش می کشاند. یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ غربی؛ همان امپریالیسم فرهنگی است. از این دیدگاه؛ جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون سازی فرهنگ ی جهان از این منظر از جهان ی کردن و به عبارت دیگر غربی کردن جهان (همان). در این میان آنتونی گیدنز اعتقاد دارد که معنای جهانی شدن این نیست که جامعه جهان ی در حال یکپارچه شدن است، برعکس این پدیده در برخی ابعاد با تفرق و از هم گسیختگی روبروست تا اتحاد و یکپارچگی. به عبارت دیگر، فرایند جهانی شدن، فرایندی همگن سازن نیست، بلکه فرایندی تفکیک ساز است و نیز همه چیز را به صورت یکدست توسعه نمیدهد و پیامدهای آن به هیچ وجه خطرناک نبوده و نیز از آنها گریزی نیست (سعیدی، ۱۳۸۵: ۱۴).

یکی از پرسش های اساسی این بوده است که آیا پدیده جهانی شدن در عرصه فرهنگ منجر به یکنواختی و همسانی فرهنگ ها می شود و یا موجب بروز تنوعات جدید فرهنگی می شود. نوآوری های جدید در عرصه فناوری ارتباطات در مقایسه با اعصار گذشته، دسترسی و آشنایی و تعامل فرهنگ ها را با یکدیگر سریع و آسان تر نموده است. یکی از اثرات و نتایج این دگرگونی و تحول در عرصه فناوری و توسعه با ایجاد یک فرهنگ جهانی است که مردم جوامع مختلف را از محدوده و قیدهای تنگ ملی و قومی خود فراتر می برد و افراد هویت خودشان را در فراسوی مرزها جستجو می کنند و نه در چارچوب مرزهای ملی.

پیشرفت شگرف فناوری ارتباطات در سال های اخیر، امکان تماس و مبادله سریع فرهنگ ها را به صورت کالاهایی تجاری در بسته بندی های جدید الکترونیک فراهم آورده و اقوام و ملت های مختلف را به هم نزدیک در یک مرور اجمالی به فراگرد تاریخی این مبادلات از قرون قبل، به آسانی می توان دریافت که مسیر داد و ستد تجاری، تابعی از قدرت و خلاقیت علمی و فرهنگی ملت ها بوده است. به این معنی که تا قبل از تحول علمی و فکری عصر رنسانس، کشورهای پیشرفته صنعتی امروزی در قاره اروپا، تابع و وامدار دانش و فرهنگ شرق و مقهور قابلیت های علمی آنها در عرصه های مختلف ریاضیات، نجوم، پزشکی، فلسفه و... بوده اند. اما از زمانی که انقلاب صنعتی خلاقیت های علمی و فنی را وارد عرصه تجارت و سیاست نمود، مسیر و ابزار ایجاد سلطه نیز تغییر کرد و این بار سرزمین های ماوراالنهر در شرق، میدان رقابت برای دستیابی به منظور صدور مازاد تولیدات صنعتی شد. تسخیر بازار، مستلزم تغییر در فرهنگ و باورهای دیگر ملت ها بود. البته چند نوع از این دیدگاه وجود دارد که در همه آنها بر یکپارچه شدن فرهنگی و کاهش تنوع و تفاوت فرهنگی تأکید می شود. یک روایت بسیار آشنا این است که جهانی شدن یعنی غرب ی کردن و فرایندهای جهانی در خدمت تحمیل فرهنگ غربی بر دنیای غیرغربی هستند. این ویژگی های غربی عبارتند از: سرمایه داری، اقتصاد سود محور بازار، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار نمود یافته در خرد علمی، فردگرایی و حقوق بشر که بار هنجاری و ارزش قومی دارند. این فرایندها برای برخی صاحب نظران خوشایند است و برخی مانند ادوارد سعید آن را نادرست، نامناسب و حتی زیانبار می دانند.

۱- همگونی فرهنگی

همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی انفعال و استحاله. در چنین رابطه ای معمولاً فرهنگ ها در برابر فرایند جهانی شدن منفعل می شوند و حتی ضمن پذیرش فرهنگی که جهانی شدن اقتصادی حامل آن است، ویژگی های خود را از دست می دهند. به بیان دیگر، برخی نظریه پردازان بر این باورند که جهانی شدن زیر سلطه نظام جهانی سرمایه داری و شرکت های قدرتمند چند ملیتی قرار دارد و بنابراین جهانی شدن اقتصادی، نوعی جهانی شدن فرهنگی را به دنبال می آورد. این برداشت از جهانی شدن، همان نظریه امپریالیسم فرهنگی است که فرایند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می داند (همان منبع: ۸۴).

می گویند کسانی که از جهانی سازی حمایت می کنند، آرزو دارند دنیا را به بازار جهانی بزرگی تبدیل کنند. در نتیجه چنین می نمایند که جهانی سازی، توان کشورها را در حاکم بودن بر سرنوشت شان تحلیل می برد، هر روز بیش از دیروز تصمیمات مهم از بالا و در سطح جهانی اتخاذ می شوند و سرانجام نفوذ حکومت های ملی کاهش می یابد (جرمی، ۱۳۸۱: ۳۴).

۲- خاص گرایی فرهنگی

در نقد نظریه همگون سازی و یکپارچگی فرهنگی برخی نظریه پردازان مدعی هستند که واکنش فرهنگی در برابر فرایند جهانی شدن به هیچ روی صرفاً انفعال، استحاله و تسلیم نیست. در بیشتر موارد، واکنش فرهنگ ها با مقاومت و حتی مقابله ای پرتنش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت بخش زبانی، دینی، قومی و نژادی نمود می یابد. به بیان دیگر فرایند جهانی شدن در عین حال که جنبه ه هایی از زندگی در دنیای مدرن را یک دست می کند، تفاوت های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیا می کند. از این رو منتقدین، تجدد جهان ی شدن را آغاز عصری جدید می دانند که با فرهنگی شدن زندگی و برجسته شدن هویت های گوناگون اجتماعی مشخص می شود (استریناتی، ۱۳۸۰: ۸۴). خاص گرایی فرهنگی، نمودهای پر شمار و گوناگونی دارد و می توان از جنبه های مختلف مانند نوع و شدت واکنش، گستره و میزان تأثیر گذاری و قدیم یا جدید بودن، آنها را تقسیم بندی و توصیف کرد. این عناصر عبارتند از: زبان، نژاد، قومیت، ملیت و دین که در اینجا معنا و مفهوم کلی و رایج آن، مد نظر است.

۳- آمیزش و تحول فرهنگی

سومین نوع واکنش به فرایند جهانی شدن را به عنوان آمیزش و تحول فرهنگی مورد بررسی قرار می دهیم. این گونه واکنش که معمولاً تحت عناوینی مانند روش پیوندی، تحولی و غیر دفاعی توصیف می شود بر این نکته دلالت دارد که نمی توان گفت در عصر جهانی شدن فرهنگها یا باید به خلوص و ریشه خود توسل جست یا ادغام و ناپدید شد، بلکه آنها می توانند با تحول و آمیزش با فرهنگ ها و هویت های دیگر به حیات خود ادامه دهند. در این میان بر دادوستد های بین فرهنگی و آمیزش فرهنگی برای ایجاد اشکال فرهنگی ترکیبی تأکید می شود (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۷۴). چنین روش و واکنشی بیشتر توصیف گر هویت ها و انسان هایی است که از مرزهای طبیعی و معین زادگاه خود فراتر می روند، ولی تعلق به میهن خود را حفظ می کنند، بدون آنکه دچار توهم بازگشت به گذشته شوند. آنان مجبورند با

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فرهنگ های جدید محل زندگی خود کنار بیایند، بدون اینکه هویت های اصلی خود را کاملاً از دست دهند. در واقع آنان به فرهنگ های پیوندی تعلق دارند و باید بیاموزند که دست کم با دو فرهنگ زندگی کنند. هویت سیاه پوستان در آمریکا و ملی گرایی کبک در کانادا را می توان نمونه های برجسته چنین واکنش و رهیافتی به شمار آورد. البته واکنش نوع سوم در آمیزش و هم زیستی فرهنگی خلاصه نمی شود. تأثیرات نسبی سازانه فرایند جهانی شدن، وابستگی متقابل فزاینده جوامع جهان و شکل گیری مشکلات جهانی، برخی فرهنگ های دیگر را دچار تحول کرده و جنبه عام گرایانه آن ها را تقویت می کند تا واکنشی مناسب به این گونه چالش ها و مسائل، داشته باشند. چنان که قبلاً اشاره کردیم، برخی فرهنگ ها به ویژه ادیان، هم مقوله ای خاص و هویت بخش هستند و هم مقوله ای عام. در برخی موارد خاص گرایی و هویت بخشی آنها محور واکنش در برابر فرایند جهانی شدن و پیامدهای آن قرار می گیرد، در مواردی هم واکنشی عام گرایانه به این فرایند صورت می گیرد (توحید فام، ۱۳۸۲: ۸۹).

دیدگاه های کلان در خصوص جهانی شدن فرهنگ

با توجه به تقسیم بندی مطرح شده در خصوص واکنش های فرهنگی در راستای جهانی شدن، دیدگاه های کلان در این خصوص مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- نظریه عمومی جهانی شدن فرهنگ

نظریه عمومی جهانی شدن فرهنگ، به ظهور فرهنگ جهانی واحد و مسلطی اشاره دارد که سایر فرهنگ های بازمانده از تمدن های دیگر در آن حل خواهند شد. از این دیدگاه فرهنگ جهانی همان تمدن غربی مدرن است. آرنولد توین بی، در کتاب خود «مطالعه تاریخ» می گوید: ما فرزندان تمدن غربی، امروزه تنها به پیش می رویم و هیچ چیز جز تمدن های فرو ریخته در اطرافمان وجود ندارد، تا آنجا که ما می دانیم شانزده تمدن تا کنون نابود شده اند و نه تمدن دیگر در حال کوچک شدن هستند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۴۲). دیگر متفکران غربی همچون هربرت اسپنسر، آگوست کنت، کانت و هگل از ظهور اجتناب ناپذیر فرهنگ و تمدن عقلانی واحد و فراگیر در سطح جهان سخن گفته اند و بر ضرورت تاریخی زوال دیگر فرهنگ ها و تمدن ها تأکید داشته اند.

۲- نظریه های کثرت فرهنگی

از منظر نظریه کثرت گرایی فرهنگی ممکن است تمدن های مادی و تکنولوژیک واحدی در جهان مسلط شود، لیکن فرهنگ های مختلف هویت خود را حفظ خواهند کرد. استوارت هرشبرگ در کتاب یک جهان و چندین فرهنگ، فرض برتری ذاتی فرهنگ غرب را زیر سؤال می برد و در مقابل بر تداوم اجتناب ناپذیر فرهنگ های دیگر تأکید می کند (همان منبع، ۱۴۲).

۳- دیالکتیک فرهنگی

حسین بشیریه دیدگاه سومی را تحت عنوان دیالکتیک فرهنگی مطرح می نماید. از این منظر، فرهنگ ها پدیده هایی تغییر ناپذیر نیستند بلکه همواره به واسطه تأثیرات متقابل در حال تغییرند و اشکال تازه ای می یابند. هیچ فرهنگی پدیده بسیط و درخود فرو بسته ای نیست، بلکه ترکیبی از عناصر مختلف و نظامی باز است. به بیان دیگر فرهنگ ها با

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

یکدیگر ترکیب می شوند و تنها از این طریق است که عناصری از آنها باقی می ماند و عناصر دیگر از میان می رود. هیچ فرهنگی به عنوان کلیتی یکپارچه، نه تداوم می یابد و نه از بین می رود (همان منبع: ۱۴۳).

جهانی شدن و تحول فرهنگی

از یک منظر می توان ادعا کرد که جهانی شدن منجر به گفتمان و تعامل فرهنگی بیشتر می شود؛ زیرا همین امروز هم تولیدکنندگان بزرگ دنیا برای فروش محصولاتشان به جنبه های فرهنگی بازار هدف، توجه ویژه ای دارند. چنان که به عنوان مثال شرکت نوکیا، یکی از گوشی های خود را در سال ۲۰۰۳ مختص کشور چین طراحی مجدد کرده و با توجه به رنگ و شکل مورد علاقه چینی ها، شکل آن را تغییر می دهد (ارمکی، ۱۳۸۳). پس در روند جهانی شدن، برخلاف نظریه پردازانی مانند لاتوس که معتقد است جهانی شدن یعنی غربی شدن کل جهان، روند جهانی شدن در مسیر خود رو به سوی آینده مجبور به احترام به خرده فرهنگ های قوی و قابل تأمل است. به همین دلیل برای اینکه بتوانیم در روند توسعه جهانی قدرت های بزرگ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را مجبور به احترام به عناصر فرهنگی مان کنیم، نیازمند آن هستیم که ابتدا خود با قدرت به آن احترام بگذاریم. تخطئه عناصر فرهنگی ملی به جرم غیر مذهبی بودن و یا وابستگی به آن سلسله پادشاهان، ما را در مقابل فرهنگ های پر قدرت دیگر بی دفاع خواهد کرد

پیامدهای جهانی شدن فرهنگ

صاحب نظران گوناگون با رویکرد اعتقادی خود به جهانی شدن فرهنگ، پیامدهایی را برای این فرآیند قائل شده اند که می توان آنها را در دو دسته، تهدید و فرصت طبقه بندی نمود، یا از نگاهی دیگر و منطبق با رویکرد و رهیافت سلطه فرهنگی غرب و تکثر فرهنگی این پیامدها را مورد بررسی قرار داد. بررسی پیامدهای جهانی شدن خارج از چارچوب تهدیدها و فرصت ها منطقی تر به نظر می رسد، چرا که عاری از هر گونه پیش داوری است (کاظمی، ۱۳۸۲: ۳۴). عمده ترین پیامد جهانی شدن فرهنگ را مخالفان جهانی شدن، تهدید هویت های فرهنگی ملت ها و مسخ شدن آنها در فرهنگ بیگانه، گسترش فرهنگ و ایدئولوژی مصرف گرایی، تعمیق و گسترش شبکه امپریالیسم فرهنگی، اشاعه و تثبیت بنیادهای اخلاقی و ارزش ها و ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی در کشورهایی که از بسیاری جهات از این جوامع دور هستند، مشروعیت یافتن سلطه و استیلای غرب (به ویژه آمریکا)، منتفی شدن نظریه نسبیت فرهنگی و همچنین در سطح خود گسترش فقر، بیکاری، فساد، مواد مخدر، رفاه زدگی و جنایات سازمان یافته ذکر می کنند. گروهی که نگاهی خوشبینانه به جهانی شدن دارند و مهم ترین و اصلی ترین پیامد آن را که مبتنی بر ویژگی تفکر پلورالیسم فرهنگی است، تکثر فرهنگی می دانند، معتقدند که در پی این روند پلورالیسم و تکثر فرهنگی در عرصه جهانی صورت می گیرد، به این مفهوم که تلاش گسترده فرهنگ های مختلف جهان در شک ل دهی به وضعیت جهانی در قالب مدل های مختلف م ی تواند صورت گیرد. این افراد پیامدهای دیگر آن را توسعه همه جانبه از میان رفتن فقر و بیکاری، تعمیق و گسترش مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر، حقوق مدنی، تحکیم موقعیت نظام ارتباط جمعی در جهان، رفاه اقتصادی، آزادی سیاسی و برابری اجتماعی ذکر می کنند (همان منبع: ۳۰-۳۱).

ویژگی های اصلی جهانی شدن فرهنگی

جهانی شدن فرهنگی شامل سه ویژگی اصلی می باشد که عبارتند از:

الف) گسترش تجدد غربی: گسترش تجدد غربی برجسته ترین وجه جهانی شدن است. تجدد غربی مرکب است از یک رشته نهادها و شیوه های رفتار که در پی فروپاشی نظام فئودالی در اروپای غربی شکل گرفت و در طول چندین دهه به نقاط دیگری از جهان از جمله آمریکای شمالی، اقیانوسیه و ژاپن نیز راه یافت. با آغاز سده بیستم، فرایند گسترش فرهنگ و تمدن غربی با شتاب و شدت بیشتری تداوم یافت و در نیمه دوم قرن نیز به واسطه ی پیشرفت های چشم گیر در عرصه ارتباطات، بازم پرشتاب تر و شدید تر شد. تجدد دارای چند ویژگی است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۸)

۱- **نظام سرمایه داری:** سرمایه داری از اواخر قرن هیجدهم به یک نظام اقتصادی- اجتماعی مسلط در غرب تبدیل شد که شامل نوعی از نظام تولید کالایی است که بازارهای تولید رقابتی و کالایی شدن نیروی کار را در بر می گیرد. در این نظام، همه ی حوزه ها و روابط اجتماعی متناسب با نظام تولید کالا، بازسازی می شوند و کارایی اقتصادی به صورت مهم ترین ارزش در زندگی اجتماعی در می آید. نظام سرمایه داری به عقلانیت ابزاری، سود محوری، فردگرایی و ثروت اندوزی پایبند است.

۲- **صنعت گرایی:** که سازمانی اقتصادی- اجتماعی است که در آن، قدرت مادی و ماشین آلات به صورت گسترده در فرایندهای تولید به کار گرفته می شود و تولید به صورت متمرکز، کارخانه ای، انبوه و تخصصی در می آید. از نظر اجتماعی نیز روابط اجتماعی به میزان چشم گیری متحول می شوند تا با این نوع فعالیت اقتصادی و فرایند تولی، متناسب و همگون شوند.

۳- **نهادهای نظارت و مراقبت:** این نهادها پایه و اساس افزایش شدید قدرت سازمانی را تشکیل می دهند و نوعی هماهنگی میان فعالیت های اجتماعی برقرار می شود. دولت مدرن نماد چنین نظارتی است که به دموکراسی، شهروندی و ملی گرایی متعهد است. گسترش تجدد غربی به جوامع غیر غربی در طول چندین دهه تداوم داشت ولی در سده بیستم و به ویژه دهه های اخیر، شتاب بیشتری گرفت. از این رو، فرایند جهانی شدن را می توان فرایند جهانی شدن تجدد یا به عبارتی جهانی شدن فرهنگی و تمدن غربی دانست.

برخی از نظریه پردازان معتقدند جهانی شدن فرهنگ غربی، همان امپریالیسم فرهنگی است. از این دیدگاه، جهانی شدن عبارت است از اراده ی معطوف به همگون سازی فرهنگی جهان. بنابراین بهتر است از جهانی کردن یا به عبارت درست تر، غربی کردن جهان سخن گفت. جهانی شدن نه یک فرایند تابع نیروهای ساختاری و غیر ارادی، بلکه نوعی تحمیل فرهنگ غرب بر جهان غیر غربی است که توسط عوامل و اراده های اقتصادی- سیاسی نیرومند انجام می شود (همان منبع: ۱۰۲).

ب) جهانگیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه داری

نظام سرمایه داری ماهیتا گسترش طلب است و همواره می کوشد جهان را به بازاری برای تولید و مصرف تبدیل کند. بنابراین درصدد است تا به کمک ایدئولوژی یا فرهنگ مصرفی و تصورات مردم از هویت و نیازهای خود، آن ها را به مصرف کنندگانی در خدمت فرایند انباشت سرمایه تبدیل کند. فرایند جهانی شدن فرهنگی به واسطه گسترش پرشتاب فرهنگ مصرفی، همه ی فرهنگ های بومی- محلی و ملی را نفوذپذیر و تهدید می کند. فرهنگ مصرفی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

باعث می شود فرد به جای اینکه از طریق روبرو اقتصادی (طبقه) یا پیوندهای سیاسی (ملیت) هویت پیدا کند، با خوردن، نوشیدن، پوشیدن نحوه ی گذران اوقات فراغت یا به عبارتی، شیوه ی زندگی هویت یابد (همان منبع، ۱۰۷).

ج) جهانی شدن فرهنگ آمریکایی

آن چه فرهنگی جهانی نامیده می شود، نوعی فرهنگ مصرفی است که به کمک ارتباطات گسترده و فن آوری الکترونیک به همان رسانه ی فرهنگی، جهانگیر می شود و در اصل، از منبعی واحد سرچشمه می گیرد که فرهنگ آمریکایی است. امروزه شمار فراوانی از مردم جوامع مختلف جهان، خواسته یا ناخواسته، شیوه ی زندگی آمریکایی را الگوی خود قرار می دهند و هر جامعه ای که در فرایند جهانی شدن ادغام می شود، در واقع به نوعی، آمریکایی می شود. برجسته ترین وجه آمریکایی شدن جهان، گسترش فرهنگ مصرفی آمریکا است. این فرهنگ مصرفی در درجه ی نخست از طریق تولید، توزیع و مصرف برخی محصولات شرکت های معتبر آمریکایی، جهانگیر می شود و روزه روز شمار مصرف کنندگان آن ها فزونی می یابد. مصرف جهانی محصولات کوکاکولا، مک دونالد و... از این دسته اند. برخی معتقدند افزایش مصرف این کالاها به دلیل کارایی و کارآمدی و کیفیت بی بدیل این محصولات می باشد که نشانه ی عقلانیت تولیدی است.

از دیگر مظاهر گسترش فرهنگ آمریکایی، استقبال جهانی از تولیدات سینمایی هالیوود، اخبار شبکه ی سی. ان. ان، موسیقی پاپ آمریکایی، الگوی قرار گرفتن ستارگان هنری آمریکا توسط جوانان و... است.

آمریکایی شدن چشم گیر جهان از توان مالی عظیم شرکت های آمریکایی و سلطه ی این کشور بر صنایع فرهنگ ساز از جمله سیستم های ماهواره ای، ساخت فن آوری اطلاعاتی، بنگاههای خبری، تبلیغات، تولید برنامه های تلویزیونی و صنعت فیلم سازی ناشی می شود. اگرچه وجه غالب جهانی شدن فرهنگی را آمریکایی شدن تشکیل می دهد اما در عین حال فراگیرتر و فراتر از آن است و دربرگیرنده ی عناصر و ویژگی های غیر آمریکایی نیز هست. فرهنگ جهانی کنونی برخلاف فرهنگ های ملی و قومی خاص، به هیچ هویت تاریخی تعلق ندارد (همان منبع: ۱۰۸-۱۱۴).

۳- بعد سیاسی جهانی شدن

مطالعه سیاست و انتخاب از میان نظریات روابط بین الملل، در عصری که جهانی شدن تمامی ادراکات و برداشتهای سنتی ما از پدیده های سیاسی را دگرگون نموده، کاری دشوار خواهد بود. نخست از این جهت که باید به بازنگری در دانسته های گذشته بپردازیم و سپس اینکه از میان رویکردهای مختلف دست به انتخاب بزنیم. این مسئله دانشجویان و محققان سیاست را با مشکل مواجه خواهد ساخت. با این وجود استفاده از نظریه در مطالعه سیاست ابزاری سودمند در جهت تجزیه و تحلیل خواهد بود هر چند انتخاب امری ساده نباشد. اما یک مسئله در خصوص مطالعه سیاست جهانی به برداشتها و ادراکات ما در خصوص امور واحد مربوط میشود. بدین ترتیب اینکه ما از چه دریچه ای به مسایل نگاه کنیم در برداشت نهایی ما از آنها موثر خواهد بود. این مسئله مانند نگاه کردن به جهان از پشت عینک با لنزهای مختلفی است که در نهایت جهان را بر اساس رنگ آن لنزها به ما نشان خواهد داد. به همین

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

ترتیب برداشت یک رئالیست با برداشت یک لیبرال و یا مارکسیست از موضوعات واحد، نتایج مشابهی به دست نخواهد داد. (بیلیس ۱۳۸۳: ۲۴)

با این وجود و با توجه به تحولات روی داده در دهه های اخیر در صحنه سیاست جهان، اکنون نیاز به باز تعریف و بازنگری در بسیاری از مفاهیم رشته روابط بین الملل ضروری به نظر می رسد. اما قبل از هر چیز، بازخوانی برخی از مهمترین حوزه های مطالعاتی سیاست برای مقایسه و بررسی تفاوت های میان آنها، نقطه شروع مناسبی برای مباحث آکادمیک در این زمینه خواهد بود. علیرغم ناخرسندی برخی نقطه شروع مطالعات سنتی درباره سیاست قائل شدن به تفکیک و تمایز میان حوزه های سیاست داخلی و بین المللی، سیاست خارجی و سیاست بین الملل و تفاوت این دو با روابط بین الملل می باشد. در سطور بعدی به بررسی و مقایسه این حوزه ها خواهیم پرداخت. یک مسئله بسیار مهم در تعریف مفاهیم یاد شده، پذیرش سطوح مختلف در آن است. به خصوص اینکه این مسئله به معنای وجود تمایز میان این سطوح خواهد بود. در حالیکه برخی تمایز میان سطح داخلی و خارجی را نمی پذیرند و بیان می دارند که تفکیک میان این دو حوزه از ابتدا باعث انحراف در تحلیل شده و از تفکر در باره سیاست به عنوان یک کل به هم پیوسته جلوگیری می نماید. (کلارک ۱۳۸۲: ۶۸)

با اینحال وجود تفاوت میان سطح داخلی سیاست و سطوح خارجی آن یک واقعیت انکار ناپذیر است. این مسئله از سوی دیگر باعث کمک به فهم ما از مسایل خواهد شد. بدین ترتیب تجزیه و تحلیل موضوعات و مسایل مختلف با استفاده از هر یک از سطوح تحلیل، انتخابی سودمند خواهد بود. اما از سوی دیگر همزمان با این کار و بطور خود بخود، وجود تمایز میان هر یک از این سطوح را نیز پذیرفته ایم. کاپوراسو اشاره می نماید که از زمانی که کنت والتز سه سطح تحلیل فرد، دولت و نظام بین الملل را ارائه داده است هر چند این کار طبقه بندی مفیدی از مطالعات راجع به روابط بین الملل به دست می دهد، اما این سطوح همچنین توجه ما را به وجود شکاف میان سطح داخلی و خارجی سیاست نیز معطوف می نماید. (Caporaso 1997: 564)

جهانی شدن و سیاست؛ جهانی شدن سیاست

تحولات اخیر در صحنه سیاست جهان، برداشتهای سنتی ما از سطوح تحلیل گذشته را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. این بدان معناست که دیگر همچون گذشته نمی توان بسادگی هر یک از سطوح مورد اشاره در صفحات پیشین را مبنایی برای تحلیل خود از مسایل قرار داد. با اینحال پیش از هر چیز دیگر برای شناخت تحولات مورد بحث و چگونگی تاثیر آنها بر روی سطوح تحلیل، آشنایی با زمینه های تحول ضروری خواهد بود. جیمز روزنا از تحولات وقوع یافته در سیاست جهان با عنوان "آشوب در جهان سیاست" نام می برد. وی عوامل زمینه ساز بروز این آشوب را اینگونه بر می شمرد:

۱. جابجایی از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی و انقلاب میکروالکترونیکی
۲. ظهور موضوعات جدید مانند آلودگی جو، تروریسم، تجارت مواد مخدر و... که از حیث دامنه ملی و نه محلی، بلکه فراملی می باشند

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳. بحران کاهش مرجعیت و اقتدار دولتها به این دلیل که موضوعات جدید بطور کامل در حیطه اقتدار دولتها نیستند

۴. افزایش یافتن کارایی خرده نظامها و شکل گیری گرایشهای تمرکز زدا

۵. افزایش مهارتها و سمت گیریهای بشری. (روزنا ۱۳۸۲: ۲۴-۲۳)

اینک بهتر است از مفهوم "جهانی شدن" هر چند مورد اختلاف بسیاری به عنوان مفهومی گنگ و نامبهم است، برای توضیح تحول یاد شده کمک بگیریم. با اینحال هنوز هم عنوان جهانی شدن از توانایی مناسبی برای تشریح و تبیین ابعاد تغییرات رخ داده در تمامی حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهانی برخوردار است. اهمیت جهانی شدن از این روست که از یک سو باعث تحول در بسیاری از نظریه های روابط بین الملل خواهد گردید. بدین معنا که تمرکز و هدف بسیاری از نظریه های روابط بین الملل، مطالعه رفتارهای دولت به عنوان بازیگر اصلی نظام بین الملل بوده و اگر جهانی شدن باعث کاهش نقش دولت در این نظام گردد، آنگاه بازنگری در بسیاری از نظریه های روابط بین الملل ضروری به نظر خواهد رسید. و از دیگر سو اگر جهانی شدن به معنای کاهش اقتدار، حاکمیت و حوزه عمل دولتها به عنوان بازیگران مسلط سیاست جهان باشد، در نتیجه خود بخود باعث از میان رفتن و یا دست کم کاهش شکاف میان سطوح داخلی و بین المللی سیاست خواهد شد. این مسئله همچنین مورد ادعای حامیان جهانی شدن نیز هست در غیر اینصورت می توان اظهار داشت که جهانی شدن فاقد بخش بزرگی از آن محتوای جوهری است که ادعا می نماید. (کلارک ۱۳۸۲: ۴۵-۴۴)

از سوی دیگر با گسترش وابستگی متقابل میان جوامع بشری، مسایلی بوجود آمده که به روند جهانی شدن و نزدیکی میان ملتها کمک نموده است. روزنا در توضیح چگونگی افزایش وابستگی متقابل و زمینه های پیدایش آن بیان می دارد که اگر زمانی مسایل سیاست جهان بوسیله تعامل دولتها حل و فصل می شد، اکنون مسایل دیگری در دستور کار سیاست جهان قرار گرفته اند که از صلاحیت اقتدار دولتها خارج می باشند. وی در این زمینه شش چالش را بر می شمارد که عبارتند از: آلودگی محیط زیست، بحرانهای ارزی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، ایدز و سیل پناهندگان. (روزنا ۱۳۸۲: ۸۹-۸۸) بدین ترتیب در باور وی حل و فصل مسایل مربوط به چالشهای یاد شده به تنهایی از عهده دولتهای منفرد خارج شده و علاوه به همکاری بازیگران رسمی، مساعدت بازیگران غیر رسمی و همکاریهای فراملی را می طلبد. بدین ترتیب پیدایش سازمانها و نهادهای فراملی غیر دولتی یا چند ملیتی به تنوع در بازیگران بین المللی در نقش آفرینی در سیاست جهان کمک نموده است. بدین ترتیب قرن بیستم شاهد ظهور سیاست جهانی با ویژگی نزاع و همکاری میان کشورها و سازمانهای بین المللی که در سراسر جهان شکل و گسترش یافتند، گردید که از یکسو بطور اساسی تفاوت میان حوزه داخلی و بین المللی سیاست را زیر سوال برده است و از سوی دیگر این پیچیدگی و دگرگونیهای اساسی همچنین دلیلی برای جهانی شدن نیز محسوب می شوند. (heywood2002: 126).

یک بحث دیگر در خصوص جهانی شدن به در خطر افتادن نقش دولتها در آینده نظام بین الملل مربوط می گردد. رئالیستها بر این باورند که هر چند ممکن است در نتیجه روند جهانی شدن ارتباط میان جوامع و اقتصاد بیش از پیش به هم وابستگی پیدا نماید، اما این مسئله سبب نخواهد شد که مهم ترین ویژگی سیاست جهانی، یعنی تقسیم

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جغرافیایی جهان به دولت - ملتها تغییر یابد و جهانی شدن نمی تواند کشمکش میان دولتها بر سر تصاحب قدرت را از میان بردارد بلکه تنها قادر خواهد بود بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاثیر بگذارد. اما لیبرالها بر این باورند که جهانی شدن محصول نهایی تغییرات بلند مدت سیاست جهانی می باشد. به باور آنها بر خلاف آنچه که رئالیستها ادعا دارند دولتها دیگر تنها بازیگر اصلی سیاست جهان نمی باشند. (بیلیس ۱۳۸۳: ۳۲) در یک جمع بندی در خصوص تاثیر جهانی شدن بر کاهش نقش دولتها می توان سه دیدگاه را مد نظر قرار داد: ناتوانی و فرسودگی دولت به خصوص در حوزه اقتصادی، کاهش ابعاد قدرت دولت و ایجاد رقابت آن با دیگر بازیگران و سوم اینکه ضعف دولت در اثر از دست دادن اقتدار و کنترل سایر بازیگران نیست، بلکه در اثر از دست دادن کنترل خود در ساختار غیر شخصی بازار است. (کلارک ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۶)

یک بحث دیگر در خصوص جهانی شدن به تعیین شکل و نوع ساختار سیاسی جهان در آینده اشاره دارد. با این حال نظریه پردازی در خصوص ساختار آینده سیاست جهان همچنان مشکل ساز است. برخی استدلال میکنند که تغییرات در حال وقوع در جهان سیاست حاکی از آن است که اقتدار سیاسی به اجزای کوچکتری تقسیم خواهد شد و عده ای نیز بر این باورند که بوسیله رقابت میان بلوکهای قدرت قوام می یابد. هر چند پیشگویی درباره تداوم یا تغییر شرایط کنونی در آینده سیاست مشکل خواهد بود اما بهر حال واضح است که قضاوت درستی درباره استیلاي این تداوم یا دگرگونی نیز نمی توان داشت. نه تغییر و نه تداوم هیچکدام به تنهایی مسلط نخواهند بود. (w. kegley 1989: 501).

روزنا نیز بحث می نماید که جدای از اینکه تا چه اندازه عوامل سیستماتیک موجب یکسانی چرخه های سیاست پسا بین المللی می گردد، می توان ادعا نمود که ساختارهای کنونی به احتمال زیادی پایدار خواهند ماند تا اینکه گذرا باشند و بسیار بعید به نظر می رسد که یکی از دو جهان سیاست (جهان چند مرکزی و جهان دولت محور) بتواند بر دیگری غلبه یابد هر چند با گذشت زمان می توان گرایش به تفوق یکی بر دیگری را انتظار داشت. (روزنا ۱۳۸۲: ۱۴۱) این مطلب را کلارک نیز با کمک گرفتن از نظریه سازه انگاری اینگونه توضیح می دهد که دولتها دارای هویتی ثابت و لایتغیر نیستند و به همین ترتیب نمی توان جامعه بین المللی را دارای هویتی ثابت فرض نمود؛ و تایید می کند که بدینگونه دولت و نظام بین الملل مکن است در هر مرحله از تاریخ بطور متناوب بر دیگری برتری یابد.. (کلارک ۱۳۸۲: ۳۵۸). در اینجا لازم به ذکر است که هدف از ارائه توضیحاتی در خصوص جهانی شدن و نحوه برخورد با آن، تعیین جایگاه دولتها و سایر بازیگران بین المللی در آن و یا تعیین شکل ساختار آینده آن نبوده است و تنها از این جهت اهمیت داشت که نشان دهیم بر خلاف آنچه بسیاری ادعا دارند، ساختار سیاسی جهان واقعا در حال تحول است و مهمتر از همه تحولات، تحول در مفهوم دولت به عنوان محور مطالعات بسیاری از نظریه های روابط بین الملل به خصوص رویکرد سنتی آن است. انتخاب توضیحات یاد شده در خصوص دولت نیز از همین اهمیت نشات میگیرد. با وجود تمامی مباحث یاد شده شاید «اصلی ترین ابتکار جهانی شدن به عنوان یک مفهوم در این حقیقت است که برداشتهای سنتی از سطوح تحلیل در علوم سیاسی و روابط بین الملل را نقض می کند». (کلارک ۱۳۸۲: ۶۲)

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

توضیح های بود در خصوص جهانی شدن به جمع بندی ما در این خصوص کمک می نماید. وی بیان می دارد که پدیده جهانی شدن بطور کامل شناخت ما از سیاست و سرشت تعامل میان بازیگران عرصه سیاست [دگرگون کرده است. نگرش سنتی به سیاست دولت محوری بود که در آن دولت به عنوان بازیگر سیاسی اصلی رفتار می کرد و توجه بر روی سطح ملی فعالیت دولت متمرکز بود. بعلاوه از یک نگرش سنتی در مورد شکاف آشکار میان سیاست داخلی و خارجی تبعیت می کرد. اما جهانی شدن باعث پایان بخشیدن و یا شاید نبود شدن تمایز میان حوزه داخلی و خارجی گردیده است. تا جاییکه حتی برخی از ظهور یک "جامعه جهانی" صحبت میکنند. هر چند دولت-ملتها همچنان به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه سیاسی عمل می کنند اما رشد شدید عناصر فراملی و گروهها و سازمانهای بین المللی ممکن است این ادعا را رد کند. (heywood2002: 125). با وجود تحولات یاد شده، تحول در برخی از مفاهیم گذشته نیز ضروری به نظر می رسد. جایگزین نمودن اصطلاح "سیاست جهانی" و یا "جهانی شدن سیاست" با مفاهیم سنتی گذشته جهت انطباق با دگرگونیهای جدید سودمندیهای زیادی به همراه خواهد داشت. بیلیس در مقدمه کتاب ارزشمند خود با نام "جهانی شدن سیاست" بیان می دارد کاربرد اصطلاح سیاست جهانی به جای سیاست بین الملل، به این معناست که هدف از انتخاب آن اشاره به سیاست و الگوهای سیاسی در جهان است و نه فقط سیاست میان کشورها و به نظر می رسد واژه روابط بین الملل نیز دارای محدودیتهایی است که هنوز محدود به بررسی روابط میان کشورهاست هر چند به معنای روابط صرف سیاسی میان بازیگران اصلی نیست. (بیلیس ۱۳۸۳: ۲۳) همچنین استفاده از اصطلاح سیاست جهانی ویژگی دیگری نیز دارد. سیاست جهانی روابط سیاسی فراتر از زمان و مکان را مد نظر دارد و این ایده چالشی میان سیاست داخلی و بین المللی، داخل و خارج، سرزمینی و غیرسرزمینی است و برداشت سنتی از سیاست را تغییر می دهد. (سلیمی ۱۳۸۴: ۳۷).

۴- بعد علمی و فناوری جهانی شدن

یکی دیگر از ابعاد جهانی شدن؛ بعد علمی و ارتباطاتی آن است. زمانی که واژه جهانی شدن مطرح می شود؛ برای بسیاری از افراد مسأله فناوری و انقلاب ارتباطات را تداعی می کند. به عبارت دیگر، برای بسیاری، جهانی شدن بیانگر تحولات و پیشرفت هایی است که در عرصه فناوری ارتباطات به وقوع پیوسته است. مسائلی؛ از قبیل پیشرفت در تولید انواع رایانه و نرم افزارها، عمومیت یافتن و ارزان شدن آنها و توسعه ارتباطات جمعی، به مرحله یی رسیده که می توان نتیجه گرفت: در فرایند جهانی شدن قرار گرفته ایم. افزون بر این، انقلاب و توسعه ارتباطات موجب شده است که ارتباط میان مردم و جوامع گوناگون به سادگی امکان پذیر شود (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۱). سیستم تکنولوژیک که در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید از دهه ۱۹۷۰ فراهم شده بود. تکنولوژی اطلاعات بخاطر تعاملی که میان تکنولوژی و جامعه برقرار نمود بسیار حائز اهمیت است و مطرح شدن سیستم های تکنولوژیک به خاطر دسترس پذیر بودن و هزینه رو به کاهش همراه: با افزایش کیفیت، نوعی جهش کیفی را در انتشار در گستره تکنولوژی در کاربردهای نظامی و غیرنظامی نمایش می دهد (کستلز، ۱۳۸۰، ۷۷). بنابراین عصری که در آن قرار داریم به یمن همگرایی ابزارهای ارتباطی و گسترش بیش از پیش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به عنوان عصر اطلاعات و ارتباطات نام گرفته است. به هر حال حضور تکنولوژی جدید با درهم شکستن مرزها و نفوذپذیر ساختن آنها معادلات زمانی

هشتمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگویی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ومکانی پیشین را به هم زده است و با حضور اینترنت و ماهواره‌ها، امواج براحتی حصارها را در می‌نوردند و شتابان جای خود را در زندگی انسان محکم نموده‌اند. واژه جامعه اطلاعاتی و همچنین عصر اطلاعات و اقتصاد دانش جامعه‌ای را توصیف می‌کنند که برای تولید انواع کالاها و خدمات، وابستگی زیادی به کار برد تکنولوژیک اطلاعات دارد. جامعه صنفی برای افزایش کار بدنی انسانها به نیروی درونی موتورهای نیازمند بود اما جامعه اطلاعاتی برای افزایش کار ذهنی نیازمند تکنولوژی کامپیوتر است (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۷).

تردیدی نیست که یک محور جامعه اطلاعاتی، بزرگراه‌های اطلاعاتی هستند و این بزرگراه‌ها که اینترنت یکی از محورهای مهم در حال تکوین آن است، از نظر اقتصادی اجتماعی و فرهنگی فضای تازه‌ای را برای انسانهای معاصر ایجاد می‌کند. عناصر تازه فضای بدون مرزهای جغرافیایی و سیاسی بالاخره تصویری از انسان حاضر را بدست می‌دهد. این بزرگراه‌های اطلاعاتی بر ارتباط، آموزش، ارتباطات، تفریح و رفاه انسانی موثرند و در حوزه‌های بسیاری، آگاهی، نگرشها و رفتارهای بشری را تحت تاثیر قرار می‌دهند (همان: ۲۰-۱۹). بنابراین با توجه به افق جدیدی که پیش چشم انسان امروزی گشوده شده است می‌توان اذعان داشت که جامعه با دانش و مهارت استفاده از تکنولوژی عجین می‌شود و افراد بصورت فردی و مجزا می‌توانند با کسب آگاهی و آموزش درجهت کیفیت زندگی خود قدم بردارند. ویلیام مارتین جامعه اطلاعاتی را جامعه‌ای می‌داند که در آن کیفیت زندگی مانند چشم اندازه‌های تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی به میزان روبه‌تزايدی به اطلاعات و بهره‌برداری از آن وابسته است در این چنین جامعه‌ای استانداردهای زندگی الگوهای کار و فراغت و نظام آموزشی و بازار کار به میزان کاملاً محسوسی تحت الشعاع پیشرفتهایی قرار گرفته‌اند که در قلمرو اطلاعات و دانشها روی داده است. برای وجود اطلاعات، برخی از عوامل انسانی می‌بایست حضور داشته باشند و قبل از همه یک زیر ساخت ارتباطی ضروری است که بتواند تولید و انتقال حجم اطلاعات را روی یک شبکه بسیار پراکنده عملی سازد (همان: ۲۲-۲۱). پیشرفت در تواناییهای مرتبط با تکنولوژی اطلاعاتی در رونق فرایند تولید حجم بسیار اطلاعات به سرعت در جهان به یک عامل مهم در توسعه جامعه اطلاعاتی تبدیل شده است. تکنولوژی که به مدد قدرت کامپیوتر و توانایی انتقال اطلاعات رشد فزاینده‌ای را طی می‌کند، بطوری که مانوئل کستلز بیان می‌کند که امروزه بیش از یک میلیارد نفر کار بر اینترنتی‌اند و نزدیک به دو میلیارد نفر دارای تلفن همراه می‌باشند دو سوم ساکنان کره زمین امکان ارتباط با تلفن حتی در جاهایی که برق نیست را دارند. شکل اجتماعی جدیدی از ارتباط برقرار کردن به وجود آمده که هر چند وسیع است اما به طور انفرادی تولید و دریافت می‌شود و تاثیر می‌گذارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با تاکید بر شاخص اینترنت بر تار و پود زندگی اجتماعی انسان امروز تاثیر بسیاری گذارده است و در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تحولات نوینی را رقم زده است که از آن جمله می‌توان به شکل‌گیری اقتصاد الکترونیک، رفتار الکترونیک، کلبه الکترونیک، دولت الکترونیک، گردشگری الکترونیک و ... اشاره نمود. (ممه‌دی زاده، ۱۳۹۱: ۵۹). محققان بر این باورند که بعد از انقلاب صنعتی که سه قرن بر جهان حاکم بود، در ربع آخر قرن بیستم انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات رخ داد. این انقلاب نظم جدیدی را بوجود خواهد آورد. ما اکنون به عنوان جزئی از نظام جهانی در جریان و در معرض این انقلابیم؛ زیرا نمی‌توان تصور کرد که تغییراتی در درون واحدهای نظام بین‌المللی موجب تغییر در

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین وبسایت و سومین خردادماه ۱۳۹۸

ساختار واحدهای ملی نگردد. جهان به طور فزاینده ای به سمت وابستگی متقابل واحدها کشیده می شود. ارتباطات در دنیای امروز، تغییرات بنیادی شدیدی را در جوامع سنتی بوجود آورده است. اتخاذ تصمیم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جهان پیامدهایی را در جهت تغییر و دگرگونی ساختار کشورها به دنبال خواهد داشت. انقلاب ارتباطات و بویژه اینترنت و امکانات ناشی از آن نه تنها ابعاد جدیدی به جهانی شده داده، بلکه در فضای زمان و مکان تغییراتی ایجاد کرده است. و زمان و مکان را به صفر نزدیک کرده و به فشردگی زمان انجامیده است. (تافلر، ۱۳۷۱: ۶۸).

در حقیقت ارتباطات و ابزار آن یعنی تکنولوژی های اطلاعاتی به عنوان مدار هستی جامعه امروز بشری موجب شکل گیری فرایندها و تحولاتی می شود که منجر به دگرگونی در تمدن انسانی و ایجاد جهان بینی جدیدی می گردد. به طور کلی تنوع، وابستگی متقابل فزاینده، سرعت و تمرکز گرایی و شبکه ای شدن روابط، روندهایی هستند که به تدریج در حیطه های عملکرد نهادهای مختلف تمدن امروز رسوخ یافته و زمینه های پیدایش جهانی شدن را بنیان می نهند. با شکل گیری عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات، نظام های سیاسی و رژیم های حکومتی نیز برای استمرار و تداوم بقای خویش ناگزیرند تعدیل هایی در مبانی و نحوه عملکرد خود به عمل آورند. و این امر البته یکی از خصایص تفکر سیستمی است و کشورهای در حال توسعه خود خزئی کوچکی از سیستم جهانی به شمار می روند. (طاهری، ۱۳۸۷: ۱۰).

نتیجه گیری

جهانی شدن از یک بستری اقتصادی آغاز شده و به سمتی پیش رفته است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تمام اجتماعات را تحت تأثیر قرار داده است. محققان در تحلیل جهانی شدن آن را به عنوان یک فرآیند دگرگون ساز و تغییردهنده در نظر میگیرند که ممکن است از طریق تأثیر در تولیدات، رشد، توزیع درآمد، تکنولوژی، امنیت معاش و سیاستگذارها در رفاه و آینده جوامع روستایی مؤثر باشد. این تأثیرات ممکن است مثبت یا منفی باشد با توجه به واکنش جوامع و کشورها به این مسئله طی چند سال اخیر نشان داده شده است که عوامل داخلی و خارجی مؤثر در این فرآیند در هر کشوری مجموعه ای از سیاستها و استراتژیها را می طلبد که نهایتاً برآیندی از واکنش به جهانی شدن را به دست می دهد. تجارب برخی کشورها نشان داده است که سیاستها و استراتژیها در مواردی مثبت و در مواردی تبعات منفی برای اجتماعات محلی به بار آورده است. تا کنون کشورهایی مثل چین، اندونزی و هند و برخی کشورهای آمریکای لاتین نظیر برزیل از این رهگذر به نتایج قابل توجهی در رشد، توزیع درآمد، تغییرات تکنولوژیک در عرصه کشاورزی و تحقیقات کشاورزی، امنیت معاش و کاهش فقر در اجتماعات محلی دست یافته اند. این در حالی است که برخی کشورهای آفریقایی، جنوب آسیا، خاورمیانه و برخی کشورهای آمریکای لاتین در این بازی فرصت های قابل توجهی را از دست داده اند. نیروهای جهانی شدن، تجاری شدن و آزادسازی اقتصادی، روان سازی جریان سرمایه و آزادی سرمایه گذاری های مختلف مالی و نظایر آن فوق العاده قوی و تأثیرگذارند. این نیروها نتایج متفاوت و مختلفی را در گروهی از کشورهای جهان به دنبال داشته است.

۱. اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. استریناتی، دومینیک (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران، انتشارات گام نو.
۳. ایننات، ادواردو (۱۳۷۹)، چین و جهانی سازی، ترجمه نصیر رضایی، تهران، نشر ترجمان اقتصادی، شماره ۳۶.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، نظریه های فرهنگی در قرن بیستم، موسسه فرهنگی آینده پویان.
۵. بیلیس، جان، اسمیت، استیوا (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۶. تافلر، آلون (۱۳۷۱) موج سوم، ترجمه شهین دوخت خوارزمی، تهران، نشر نو.
۷. تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۸. توحید فام، محمد (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن: چالش ها و فرصت ها، انتشاران روزنه.
۹. جرمی، فاکس (۱۳۸۱)، چامسکس و جهانی سازی، ترجمه مزدک انوشه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حسن زاده، علی و مسلمیان، مسعود (۱۳۸۶)، ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه، پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره اول، ۲۵۴-۲۲۳.
۱۱. دادگر، یدالله و ناجی میدانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، شاخص های جهانی شدن اقتصاد و وضعیت ایران، فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۲۹، ۱۳۵-۱۰۳.
۱۲. روزنا، جیمز (۱۳۸۲)، جهان آشوب زده. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۵)، روند پژوهی گفتمان های جهانی شدن، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴.
۱۴. سلیمی، حسین (۱۳۸۴) نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۵. شیرزادی، رضا (۱۳۹۰)، نوسازی، توسعه جهانی شدن، تهران، نشر آگه.
۱۶. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۶) فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، جهانی شدن و پیامدهای سیاسی آن، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، پورتال جامعه علوم انسانی.
۱۷. علاءالدینی، پویا و امامی، یحیی (۱۳۸۵)، جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۶۹-۲۰۰.
۱۸. فنی، زهره (۱۳۸۸)، درآمدی بر توسعه، جهانی شدن و پایداری، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۹. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲)، عصر اطلاعات: ظهور جامعه ی شبکه ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۲۰. کاظمی، فریبا (۱۳۸۲)، پیامدهای جهانی شدن فرهنگ، روزنامه ایران، شماره ۲۶۳۶.
۲۱. کلارک، یان (۱۳۸۲) جهانی شدن و نظریه روابط بین الملل. ترجمه فرامرز تقی لو. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۲۲. کندی، پل (۱۳۷۰)، پیدایش و فروپاشی قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالرضا غفرانی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۳. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن مصداقها و برداشتها، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۸.
۲۴. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
۲۵. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰) مبانی جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۲۶. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۰) نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاههای انتقادی، انتشارات همشهری.
۲۷. میلترمن، اچ. جیمز (۱۳۷۹)، بازاندیشی در تقسیم بین المللی کار در شرایط جهانی شدن، ترجمه بهروز علیشیری، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۶ و ۱۵۵.
۲۸. نورانی، سید محمد رضا (۱۳۷۹)، جهانی شدن کشورهای در حال توسعه و ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۵۶-۱۵۵.
۲۹. والرشتاين، ایمانوئل (۱۳۷۷)، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر نی.
30. Albrow. M, (1996), The global age, Cambridg, Polity , Cambridge: Polity Press, 1996, 246 pp.
31. Bhasin, V. & Annim, S.K. (2005). Impact of Elimination of Trade Taxes on Poverty and Income Distribution in Ghana, Working Paper.
32. Caporaso. James.A (1997) Across the Great Divide: Integrating Comparative and International Politics. International Studies Quarterly, Vol. 41, No. 4 , (Dec., 1997).
33. Decaluwé, B.; Patry, A.; Savard. L. & Thorbecke, E. (1999). Poverty Analysis Within a General Equilibrium Framework, Working Paper of International Development Research Centre (IDRC).
34. Dorosh, P. A. & Sahn, D. E. (2000). A General Equilibrium Analysis of the Effect of Macroeconomic Adjustment on Poverty in Africa, Journal of Policy Modeling, 22(6).
35. Heywood. Andrew (2002) Politics. (Basingstoke: Palgrave).
36. Hunter Wade. R. (2003), Is Globalization Reducing Poverty and Inequality?, World Development Vol, 32, No. 4.
37. Jackson, Robert, (1997), the evolution of international society in John Baly is and steve smith the globalization of world politics, introduction, new jersey, Oxford University press.
38. Marber. Peter, (1998), From Thrid World to World Class: the Future of Emerging Marke in the Global Economy, Perseus Book.